



تأثیرات آستانه ای حکمرانی خوب در رابطه هزینه‌های عمومی، شمول مالی و رشد اقتصادی در منتخبی از کشورهای منطقه منا

نیلوفر خاتمی^۱

حسین شریفی رنانی^{۲*}

بهار حافظی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۴

چکیده

بسیاری از کشورهای در حال توسعه به دلیل عدم حکمرانی خوب، دولتی بودن بخش بزرگی از نظام مالی، خدمات بانکی ناکارا، کمبود منابع، وجود ساختار دوگانه بخش مالی (رسمی و غیر رسمی) و غالب بودن عملکرد بخش غیررسمی، نهادها و موسسات مالی از کارایی مطلوب برخوردار نیستند. بر همین اساس، هدف مقاله حاضر بررسی تأثیرات آستانه ای حکمرانی خوب در رابطه هزینه‌های عمومی، شمول مالی و رشد اقتصادی است. برای این منظور از رویکرد آستانه‌ای پانل (*PSSTR*) بر اساس داده‌های سالانه کشورهای منتخب منطقه *MENA* طی دوره ۲۰۰۰-۲۰۲۱ استفاده شد. نتایج برآورد قسمت خطی مدل (رژیم اول) نشان می‌دهد که شمول مالی تأثیرات مثبت بر رشد اقتصادی در کشورهای مورد بررسی داشته است. همچنین مشاهده می‌شود که افزایش هزینه‌های عمومی می‌تواند منجر به بهبود سطح رشد اقتصادی در کشورهای مورد بررسی گردد. نتایج برآورد قسمت غیرخطی مدل (رژیم دوم) نشان می‌دهد که تأثیر مثبت متغیرهای شمول مالی و هزینه‌های عمومی بر رشد اقتصادی، در حضور یک سیستم حکمرانی خوب رخ خواهد داد. با مقایسه ضرایب الگو در دو رژیم مختلف ملاحظه می‌گردد که با عبور سطح حکمرانی خوب از حد آستانه (۱/۰۳) (انتقال از بخش خطی به غیرخطی) واکنش شاخص رشد اقتصادی به تغییرات این متغیر به شدت افزایش خواهد یافت.

کلمات کلیدی: شمول مالی، رشد اقتصادی، حکمرانی خوب، اثرات آستانه ای، کشورهای منطقه منا.

^۱ دانشجوی دکتری رشته اقتصاد، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران، رایانامه: niloufarkhatami@yahoo.com

^۲ دانشیار اقتصاد، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)، رایانامه: h.sharifi@khuisf.ac.ir

^۳ استادیار اقتصاد، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران، رایانامه: b.hafezi@khuisf.ac.ir

۱. مقدمه

دولت‌ها از گذشته سعی کرده‌اند منابع درآمدی محدود خود را به طور مؤثری در جهت رشد اقتصادی کشور و رفاه شهروندان مصرف کنند (وانگ؛ سان؛ چنگ،^۱ ۲۰۲۲) اما همواره در مسیر توسعه، برخی کشورها با مشکل تأمین مالی برنامه‌ها و گروهی دیگر از کشورها همچون دولت‌های نفت خیز درعین کثرت منابع با ضعف در مدیریت مخارج مواجه بوده‌اند (خان؛ سایال،^۲ ۲۰۲۱). از این‌رو، صاحب‌نظران پیوسته به دنبال طرح‌ها و راه‌حل‌های جدیدی بوده‌اند که نقایص و مشکلات طرح‌ها و راه‌حل‌های پیشین را برطرف کند. در این رابطه، شاخص‌های حکمرانی خوب، در سه دهه اخیر به شدت مورد توجه محققان علوم اجتماعی بوده‌است. استدلال می‌شود که کیفیت حکمرانی برای کارآمد بودن مخارج عمومی و نتایج آن حیاتی است. ناکارآمدی هزینه‌های عمومی را می‌توان به ناکارآمدی نهادی نسبت داد، که توضیح می‌دهد که چرا دولت‌هایی با ظرفیت نهادی ضعیف در تبدیل مخارج عمومی به تأمین کالاهای عمومی مؤثر با مشکل مواجه هستند. نهادهای دموکراتیک قوی و بهبود کیفیت حکمرانی، از طریق اثرگذاری بر ساختار مخارج عمومی، کاهش رانت دولتی و تسهیل روند تغییرات تکنولوژی، میتواند باعث افزایش کارایی و رشد اقتصادی شود (دی لیدو و همکاران،^۳ ۲۰۱۸؛ نگوین و همکاران،^۴ ۲۰۱۹؛ شون و چو،^۵ ۲۰۱۹).

علاوه بر کیفیت نهادی، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه به دلیل دولتی بودن بخش بزرگی از نظام مالی، خدمات بانکی ناکارآمد، کمبود منابع، وجود ساختار دوگانه بخش مالی (رسمی و غیر رسمی) و غالب بودن عملکرد بخش غیررسمی، نهادها و موسسات مالی از کارایی مطلوب برخوردار نیستند. از این‌رو، برخی از اقتصاددانان کندی رشد اقتصادی در برخی از کشورهای در حال توسعه را به ناکارآمدی و توسعه نیافتگی بخش مالی و عدم ثبات در این بخش نسبت می‌دهند و اصلاحات نظام مند این بخش را

برای دستیابی به توسعه اقتصادی سریعتر توصیه می‌کنند (گوتام و همکاران،^۶ ۲۰۲۲).

در این رابطه، یکی از پیش شرط‌های اصلی که امروزه در مباحث رشد پایدار مطرح می‌شود، دسترسی عموم به خدمات مالی یا به عبارتی شمول مالی^۷ است. از عوامل مؤثر بر ثبات مالی که بر رشد اقتصادی (لیو و همکاران،^۸ ۲۰۲۱) نیز مؤثر بوده و در مطالعات مختلف به آن اشاره شده، موضوع شمول مالی است. این عامل علاوه بر اثر مستقیم بر ثبات مالی، می‌تواند به عنوان میانجی^۹ اثرگذاری کیفیت حکمرانی بر ثبات مالی نیز مؤثر باشد. شمول مالی به این معنی است که هر فرد بالغی باید به خدمات مالی با هزینه مقرون به صرفه و مطابق با نیازهایش دسترسی داشته باشد (لی و همکاران،^{۱۰} ۲۰۱۹).

بر همین اساس مشخص می‌شود که شمول مالی و هزینه‌های عمومی دولت می‌تواند بر رشد اقتصادی کشورها اثر داشته باشد و حکمرانی خوب نیز می‌تواند بر این رابطه اثر گذاری داشته باشد. بر همین اساس در تحقیق حاضر به تأثیرات آستانه ای حکمرانی خوب در رابطه هزینه‌های عمومی، شمول مالی و رشد اقتصادی در منتخبی از کشورهای منطقه منا پرداخته شده است. ساختار مقاله حاضر در ادامه به این صورت می‌باشد که ابتدا مبانی نظری ارتباط بین متغیرهای تحقیق تبیین می‌شود. سپس مطالعات داخلی و خارجی مرتبط با موضوع تحقیق مرور می‌گردد. پس از آن روش شناسی تحقیق و بحث تجزیه و تحلیل داده‌ها ارائه می‌شود و در نهایت نیز به جمع بندی و ارائه پیشنهادات پرداخته می‌شود.

۲. ادبیات و پیشینه تحقیق

۲-۱. شمول مالی و تأثیر آن بر رشد اقتصادی

بررسی مطالعات انجام شده در زمینه رابطه میان شمول مالی و رشد اقتصادی نشان می‌دهد که در یک دسته بندی کلی، مبانی نظری مربوطه را میتوان به دو شاخص اصلی تقسیم

^۱ Gautam et al^۷ Financial inclusion^۸ Liu et al^۹ Mediator^{۱۰} Le et al^۱ Wang, L.; Sun, Y.; Chen^۲ Khan, I.; Sayal^۳ Di Liddo et al^۴ Nguyen et al.^۵ Shon and Cho

در این چارچوب، که شمول مالی از دو کانال منجر به افزایش رشد اقتصادی می‌گردد. در کانال اول، دسترسی به خدمات مالی مقرون به صرفه، منجر به کاهش آسیب پذیری فقرا و بهبود استاندارد زندگی آنها می‌گردد. به این صورت که اعطای اعتبارات کم هزینه، زمینه را برای رشد تولید در مناطق روستایی فراهم کرده و سطح تولید و درآمد گروههای آسیب پذیر را افزایش میدهد. این رشد تولید در سطح خرد، با گسترش مقیاس اعتبارات میتواند به رشد و توسعه تولید ملی در سطح کلان بینجامد. کانال دوم، از طریق افزایش دسترسی افراد فاقد برخورداری مالی به سپرده و محصولات بیمه ای است. این امر منجر به انباشت پس انداز این افراد در نظام مالی شده و سپس بازار مالی، تخصیص کارآمد وجوه را در طرحهای سرمایه گذاری بلند مدت تضمین می‌کند. به این ترتیب بازار مالی، ریسک نقدینگی را کاهش داده و باعث رشد بیشتر سرمایه گذاری میشود. این فرآیند همچنین منجر به افزایش تولید و اشتغال، بهبود توزیع درآمد و افزایش درآمد فقرا میگردد (ستهی و آچارایا، ۲۰۱۸).

در دومین رویکرد اصلی بررسی رابطه میان شمول مالی و رشد اقتصادی، موضوع در چارچوب مباحث مربوط به توسعه مالی تحلیل شده است. در واقع شروع این شاخه از مباحث، به زمان بیان دیدگاه های شومپتر (۱۹۹۱) مبنی بر اهمیت نقش واسطه گری مالی در توسعه نوآوریهای فناورانه و توسعه اقتصادی، مورد توجه و بحث پژوهشگران باز می‌گردد. فرضیه های مطرح شده در این رابطه را میتوان به ۴ گروه تقسیم نمود: فرضیه تامین مالی - پیشبرنده رشد، فرضیه رشد - پیشبرنده تامین مالی، فرضیه بازخورد و فرضیه خنثایی (دمی و ماکونی، ۲۰۲۳).

بر اساس فرضیه تامین مالی - پیشبرنده رشد، شمول مالی و افزایش دسترسی به منابع مالی، محرک رشد و توسعه اقتصادی است. بر پایه فرضیه رشد - پیشبرنده بخش مالی، این رشد و توسعه اقتصادی است که منجر به افزایش شمول مالی میگردد. فرضیه بازخورد، نشانگر رابطه دو سویه بین توسعه بخش مالی و توسعه اقتصادی است. براین اساس، در گام اول اقتصاد نیاز به وجوه سرمایه‌های نهادهای مالی برای

نمود. به این صورت که در دسته نخست، اثر شمول مالی و رشد اقتصادی از کانال دسترسی به خدمات مالی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و دسته دیگر به بررسی موضوع در چارچوب اثر توسعه مالی بر رشد اقتصادی پرداخته شد که در ادامه هر دو شاخه آورده شده است (جانسون و آرنولد^۱، ۲۰۱۲).

در قالب رویکرد نخست، اثر شمول مالی بر رشد اقتصادی را از دو بُعد میتوان بررسی کرد. در واقع از منظر مالی، میتوان نشان داد که چگونه کارکردهای مختلف نظام مالی بر تصمیمگیری افراد و بنگاهها در خصوص پس انداز و سرمایه گذاری اثر گذاشته و در نهایت توسعه اقتصادی را تحت تاثیر قرار میدهد. در این چارچوب لوین (۲۰۰۵) پنج کارکرد اصلی یا نقش برای نظام مالی شرح داده است که عبارتند از: تولید اطلاعات برای ارزیابی فرصتهای سرمایه گذاری؛ نظارت بر فرآیند سرمایه گذاری و بهبود حاکمیت شرکتی؛ تبادل متنوع سازی و مدیریت ریسک؛ تجهیز و انباشت پس انداز؛ و در نهایت مبادلات کالا و خدمات. این کارکردها از طریق تخصیص کارا تر منابع، تسهیل انباشت سرمایه (فیزیکی و انسانی) و توسعه فناوری میتواند منجر به توسعه اقتصادی گردد (لی و همکاران^۲، ۲۰۱۹).

در این راستا، اثر گسترش دسترسی و استفاده از خدمات مالی بر رشد اقتصادی، از دیدگاه واسطه گری مالی نیز قابل توجه است. به این معنا که بهبود واسطه گری مالی، منجر به کاهش عدم تقارن اطلاعات و تسهیل مبادلات مالی شده و در نتیجه توسعه اقتصادی افزایش می‌یابد. لوین و همکاران (۲۰۰۰) نشان دادند که بهبود واسطه گری مالی تأثیر مثبتی بر توسعه اقتصادی داشته و تفاوت در سطوح توسعه مالی بین کشورها ناشی از ناهمگونی نظامهای قانونی و حسابداری آنها است. همچنین آن‌ها نتیجه گیری کردند که تأثیر افتتاح بانک های تجاری جدید و افزایش دسترسی افراد کمدرآمد به اعتبارات را بررسی کردند. نتیجه این تحقیق، نشان میدهد که افزایش دسترسی به خدمات مالی منجر به بهبود سطح درآمد، افزایش سرمایه گذاری در کسب و کارهای غیررسمی و کاهش نرخ بیکاری می‌گردد (زینس و ویل^۳، ۲۰۱۶).

ε Sethi, Dinabandhu, and Debashis Acharya

ο Meshesha Demie Jima and Patricia Lindelwa Makoni

^۱ Johnson and Arnold

^۲ Le et al

^۳ Zins, Alexandra, and Laurent Weill

حرکت در مسیر توسعه دارد. تا رسیدن اقتصاد به وضعیت پایدار، سطح پس انداز افراد افزایش یافته و سرمایه گذاران با افزایش فرصت های سرمایه گذاری مبادرت به استقراض از نهادهای مالی به منظور سرمایه گذاری در طرح های سودآور می نمایند. گروه دیگری از محققان فرضیه خنثایی را مطرح کرده و نشان میدهند هیچگونه ارتباط مشخص و معناداری بین توسعه اقتصادی و شمول مالی وجود نداشته و دو متغیر کاملاً مستقل از هم عمل می کنند (امراه و آیه^۱، ۲۰۲۱).

۲-۲. هزینه های عمومی و تأثیر آن بر رشد اقتصادی

در طی سه دهه گذشته، مطالعه تجربی از رشد هزینه های اقتصادی دولت، توجه زیادی را در ادبیات کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به خود جلب نموده است. هسته بحث این است که آیا علیت بین دو متغیر درآمد ملی (به عنوان تولید ناخالص داخلی) به هزینه های دولت تأیید می شود یا این که آیا علیت از مخارج دولت به درآمد ملی تأیید می شود. چشم انداز اول با قانون واگنر همراه است، که به عنوان قانون افزایش هزینه های دولت شناخته می شود. دیدگاه دوم با نظریه کینزی ارتباط دارد. قانون واگنر نشان می دهد که رابطه ی تعادلی بلندمدت بین هزینه های عمومی و تولید ناخالص داخلی وجود دارد. این قانون بیان می کند که علیت از تولید ناخالص داخلی به مخارج دولتی است. در مقابل، کینزین ها هزینه های عمومی را به عنوان یک ابزار سیاست خارجی که بر رشد تولید ناخالص داخلی تأثیر می گذارد، می بینند (دینه و همکاران^۲، ۲۰۲۰).

از جهت خرد اقتصادی، عملیات و فعالیت های دولت بر زندگی روزانه هر فردی در جامعه تأثیرگذار بوده و مجموعه مقررات و قوانین، تصمیمات اداری حاکم بر هر جامعه، تعیین کننده رفتار آنها است. در مقابل از دیدگاه کلان اقتصادی، سیاست های اقتصادی دولت در پیوند با مسائلی مانند تخصیص منابع، ثبات اقتصادی و توزیع درآمد و ثروت قرار دارد. افزایش درآمد، توضیح دهنده رشد اندازه دولت می باشد.

تغییرات در بخش عمومی، توجیه کننده میزان دخالت دولت است. تنها بحث نظری که ارتباط بین اندازه بخش

عمومی و رشد اقتصادی را نشان می دهد، قانون واگنر است. قانون واگنر توضیح می دهد که رشد اقتصادی منجر به افزایش هزینه های دولت می شود. واگنر به رابطه مثبت بین سطح توسعه اقتصادی و اندازه بخش عمومی پی برد. واگنر عواملی چون شهرنشینی و تقسیم کار همراه با صنعتی شدن، رشد درآمد واقعی، نیاز به مدیریت انحصارات طبیعی و هم چنین مناطقی که بخش خصوصی قادر به پرداخت آن است، را به عنوان دلایل رشد هزینه های عمومی در اقتصاد می داند. طبق قانون واگنر، خدمات دولتی مانند سیستم قضایی، آموزش، بهداشت و زیر ساختها منجر به رشد اقتصادی می شود. به این معنا که بخش عمومی با رشد اقتصادی روبه رو خواهد شد. مطالعات تجربی که اعتبار قانون واگنر را مورد آزمون قرار داده اند، در بسیاری از موارد منجر به نتایج منفی شده است. واگنر رشد هزینه های عمومی را برای آموزش، فرهنگ، سلامت و رفاه از نظر ضریب پذیری درآمد تقاضا تعیین می کند. به اعتقاد وی، میزان درآمد این خدمات بسیار بالا است. بنابراین، با افزایش درآمد واقعی در اقتصاد، هزینه های عمومی برای این خدمات افزایش می یابد. واگنر سه دلیل عمده برای مخارج دولت را به شرح زیر ارائه کرد:

- وقتی روابط اجتماعی پیچیده است، نیاز به افزایش حمایت عمومی و فعالیت های نظارتی افزایش می یابد. علاوه بر این، شهرنشینی، تقسیم کار بیشتر و صنعتی شدن، هزینه های بیشتری را برای اجرای قرارداد، اجرای قانون و تأمین عملکرد اقتصادی تضمین می کند.

- رشد درآمد واقعی منجر به افزایش نسبی درآمد در هزینه های فرهنگی و رفاهی می شود. واگنر تأکید کرد که بخش دولتی در زمینه های آموزش و پرورش و فرهنگ موفق تر از بخش خصوصی است.

- برای توسعه اقتصاد و تغییرات تکنولوژی، دولت باید مسئولیت اداره انحصارات طبیعی را برای بهبود عملکرد اقتصادی بر عهده بگیرد. سرمایه گذاری مورد نیاز در برخی

^۱ Su Dinh Thanh and Neil Hart and Nguyen Phuc Canh

^۲ Emara, Noha and El Said, Ayah

شود. مخارج دولت، از جمله هزینه های آموزش و پرورش نیز رشد اقتصادی ناخالص داخلی را نشان می دهد. در نتیجه، یک رگرسیون ساده از جمله تولید ناخالص داخلی و هزینه های دولت منجر به خطای مشخصی می شود (ترومل^۲، ۲۰۱۸).

۲-۳. اثرات آستانه ای حکمرانی خوب

ارتباط بین حکمرانی، مخارج عمومی، شمول مالی و رشد اقتصادی به روش های مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است که با مدل توسعه یافته در بخش های بعدی مرتبط است. اول، این سوال در مورد ارتباط بین هزینه های عمومی و رشد اقتصادی وجود دارد. طبق نظریه رشد درون زاء، وجود کالاها و خدمات عمومی اثرات سرریز مثبتی بر تولید یا مطلوبیت ایجاد می کند. مکمل بودن بین مخارج عمومی و مصرف خصوصی، صرفه های اقتصادی ناشی از مقیاس را افزایش می دهد، که به اندازه کافی قوی هستند تا بازدهی فزاینده ای را در تابع مطلوبیت ایجاد کنند، بنابراین شرایط اقتصادی ایجاد می کند که رشد تولید ناخالص داخلی (*GDP*) را افزایش دهد. با این حال، استدلال می شود که ارتباط مستقیم بین هزینه های عمومی و مخارج بخش خصوصی می تواند سازش ناپذیر باشد، زیرا ممکن است اثر ازدحام بالقوه تأمین عمومی بر تأمین بخش خصوصی وجود داشته باشد. استدلال مطرح شده در این رابطه این است که کارایی هزینه های عمومی به کیفیت نهادهای بودجه بستگی دارد. در عوض، دولت ها باید هزینه های عمومی را جایگزین سرمایه گذاری خصوصی کنند تا اثر نهای را بهبود بخشند (کریستین و همکاران، ۲۰۰۷؛ راجکومار و سواروپ، ۲۰۰۸).

بسیاری از مطالعات تجربی، با استفاده از مجموعه های مختلف داده ها و روش های اقتصادسنجی، نتوانسته اند به نتایج واضحی برسند: برخی از پیوندهای مثبت گزارش کردند، در حالی که برخی دیگر روابط منفی یافتند (کربنی و مدا^۳، ۲۰۱۱؛ کارر و دی ملو^۴، ۲۰۱۵؛ دانیل و روسیو^۵، ۲۰۱۵؛ دیسو و همکاران^۶، ۲۰۱۶؛ کیران^۷، ۲۰۱۴؛ رومرو-

از مناطق بسیار بالا است که بخش خصوصی قادر به سرمایه گذاری در آن مناطق نیست (وو و همکاران^۱، ۲۰۲۱).

با توجه به استدلال واگنر، به این معنی که رشد اقتصادی به علت رشد بخش عمومی است، با افزایش درآمد سرانه کشور در روند صنعتی شدن، سهم هزینه های عمومی در کل هزینه ها افزایش می یابد. از سوی دیگر، کینز اظهار داشت که هزینه های عمومی یک عامل خارجی است. بنابراین، جهت علیت در رابطه بین هزینه های عمومی و درآمد ملی، از هزینه ها به درآمد است. علاوه بر این، با توجه به تفکر کینزی، هزینه های بخش دولتی، ابزار واقعی تقویت و افزایش فعالیت های اقتصادی و وسیله ای برای تثبیت تغییرات کوتاه مدت در کل هزینه ها هستند. نقش یک سیاست پولی در افزایش نرخ رشد اقتصادی و توافق با بخشی از ادبیات در مورد رشد درونی این است که هزینه های دولت به طور مستقیم از عملکرد تولید بخش خصوصی است. در مقابل، رویکرد واگنر این است که هزینه های بخش عمومی یک نتیجه طبیعی از رشد اقتصادی است. بنابراین، هزینه های دولت رشد اقتصادی و بیکاری را کاهش می دهد.

در این دیدگاه، بخش عمومی نقش مهمی در ارائه محصولات و خدمات عمومی دارد. وظیفه دولت مکمل فعالیت های بخش خصوصی، حل مشکلات مربوط به اثرات خارجی و دستیابی به سطح مطلوب سرمایه گذاری است، زیرا آنها مؤسسات لازم را برای عملکرد سودمند بازار تثبیت می کنند. در واقع، برخلاف قانون واگنر، دیدگاه کینزی معتقد است که هزینه های عمومی یک ابزار سیاست خارجی است که از رشد تولید ناخالص داخلی برخوردار است. هر دو فرضیه در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به صورت آزمایشی مورد آزمایش قرار گرفته و منجر به نتایج متفاوتی شده است. بنابراین، روشن است که مسائل مربوط به قانون واگنر و نظریه کینز همچنان ادامه دارد. قابل توجه است که در تعداد زیادی از مطالعات تنها آزمون برای قانون واگنر و فرضیه کینز با استفاده از برآورد براساس معادله رگرسیون ساده انجام می شود و تنها یک متغیر مستقل را شامل می

^۱ Daniel and Roşoiu

^۲ Dissou et al

^۳ Kiran

^۱ Vo, D. H., Nguyen, N. T., & Van L, T. H

^۲ Trommel

^۳ Carboni and Medda

^۴ Carrère and de Melo

آویلا و استراوچ^۱، ۲۰۰۸؛ سامودرام و همکاران^۲، ۲۰۰۹). برخی از تحقیقات اثرات غیرخطی یا آستانه ای مخارج عمومی بر رشد اقتصادی را شناسایی کرده اند، که نشان می دهد هزینه های عمومی ممکن است عملکرد رشد اقتصادی را تا یک سطح خاص ارتقا دهد، اما افزایش بیشتر هزینه های عمومی بالاتر از آستانه "بهینه" ممکن است برای رشد اقتصادی مضر باشد (آفونسو و فورسری^۳، ۲۰۱۰؛ کاپیچولی و پیستورزی^۴، ۲۰۱۶؛ چن و لی^۵، ۲۰۰۵).

مجموعه دوم سؤالات به چگونگی تأثیر کیفیت حکمرانی عمومی بر رابطه بین هزینه های عمومی و رشد مربوط می شود. طبق تئوری نهادی، نهادها به دلیل مشکلات اطلاعاتی نامتقارن، هزینه های مبادله و ریسکها، بر رفتارهای بازار و تخصیص منابع تأثیر می گذارند. بخشی از نارسایی های بازار و سایر نهادها از اطلاعات پرهزینه ناشی می شود و ساختار بازار نیز بر عملکرد نهادهای اقتصادی تأثیرگذار است. کشورها باید به بهبود سازوکارهای تخصیص منابع، فرایندهای تدوین، انتخاب و اجرای خط مشی ها و روابط بین شهروندان و حکومت برای دستیابی به رشد اقتصادی بپردازند (آسملو و رابینسون^۶، ۲۰۱۰). کیفیت نهادها به قابل توجهی به ارتباط بین نهادها تولید و رشد اقتصادی (جونز و رومر^۷، ۲۰۱۰) و مخارج عمومی کمک می کند. کارایی و اثربخشی دولت از طریق ایجاد نهادهای کارآمد، محیط مناسب برای تنظیم روابط اقتصادی در جامعه را فراهم کند؛ بنابراین، کیفیت حکمرانی نیز به عنوان عامل مهم دیگری است که بر فرایند رشد و توسعه اقتصادی اثرگذار است (کریستین و همکاران، ۲۰۰۷). مطالعات اخیر با استفاده از شاخص های مختلف برای به تصویر کشیدن جنبه های مختلف حکمرانی عمومی، ارتباطات قابل توجهی را بین حکمرانی و رشد تأیید کرده اند (گری و همکاران^۸، ۲۰۱۰). برای مثال، مارکوس و مندلسکی^۹ (۲۰۱۵) پیشنهاد کردند که تفاوتها در اثربخشی هزینه های عمومی در بهبود نتایج توسعه انسانی را می توان با کیفیت حکمرانی که با

سطح فساد و کیفیت بوروکراسی اندازه گیری می شود، توضیح داد. داردن^{۱۰} (۲۰۰۲) نشان داد که فساد با اختلاس و مکانیسم های غیررسمی کنترل توسط مقامات دولتی مرتبط است. در نتیجه، فساد می تواند هزینه های مبادله و تخصیص نادرست منابع را افزایش دهد. ویتسل (۲۰۱۱) نشان داد که اتهامات غیررسمی و فساد منجر به افزایش هزینه آموزش و در نتیجه کاهش انباشت سرمایه انسانی در تاجیکستان می شود. بنابراین، مبارزه با فساد، کارایی مخارج عمومی و رشد اقتصادی را مشروط می کند. نکته مهم این است که کیفیت حکمرانی پیوند بین فساد و رشد را شکل می دهد. آتیلا (۲۰۰۸) در تجزیه و تحلیل تعاملات بین فساد، مالیات و رشد اقتصادی به نتایجی دست یافت که با وجود رابطه غیرخطی بین مخارج عمومی و رشد اقتصادی مطابقت داشت، بنابراین نشان می دهد که اگر چه تحت شرایط خاصی به نظر می رسد که فساد بر رشد به طور مثبت تأثیر می گذارد، تأثیر منفی آن بر درآمدهای مالی، هرگونه تأثیر مثبت احتمالی فساد بر رشد را خنثی می کند. پدیده ی فساد، علاوه بر اینکه باعث انحراف منابع عمومی از اهداف عمومی می شود، باعث ایجاد اختلال در تعاملات بین مقامات دولتی با اشخاص حقیقی و حقوقی در بخش خصوصی نیز خواهد شد و بر کانال های درآمدی دولت اثرگذار خواهد بود؛ بنابراین، فساد به عنوان یک پدیده ی چندبُعدی بر عملکرد اقتصادی اثرگذار است و خود نیز تحت تأثیر عملکرد اقتصادی قرار می گیرد. مطالعه تجربی گسترده کوری (۲۰۰۹) روی هفتاد و یک کشور نشان داد که هم اندازه و هم کیفیت فعالیت دولت برای رشد اقتصادی مهم است و به این نتیجه رسید که برای دستیابی به عملکرد رشد بهتر، سرمایه گذاری در ظرفیت حکمرانی پیشرفته باید در اولویت باشد.

نکته مهم این است که حکمرانی ضعیف از طریق دسترسی محدود به خدمات مالی با سیاست عمومی مغرضانه همراه هستند، در نتیجه منجر به کاهش اثرات مثبت سرمایه

^۱ Acemoglu and Robinson

^۲ Jones and Romer

^۳ Gerry et al

^۴ Markus and Mendelski

^۵ Darden

^۱ Romero-Avila and Strauch

^۲ Samudram et al

^۳ Afonso and Furceri

^۴ Cavicchioli and Pistorresi

^۵ Chen and Lee

چند بُعدی بر مبنای حداکثر اطلاعات موجود طی دوره زمانی ۲۰۱۸-۲۰۰۴ و برای کشورهای عضو آکو محاسبه گردیده و سپس با استفاده از آزمون علیت گرنجر بوت‌استرپ، موضوع مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد که در ایران رابطه‌ای دو سویه میان رشد اقتصادی و شمول مالی برقرار است. در آذربایجان، جهت علیت از سمت رشد اقتصادی به شمول مالی است در حالی که در کشورهای افغانستان، قزاقستان و ترکیه شمول مالی علت رشد اقتصادی است. در این مطالعه به مباحث حکمرانی خوب و هزینه‌های عمومی و اثرات آن مورد توجه نبوده است. همچنین به ارتباط غیر خطی توجه نشده است. سید حسین زاده یزدی و همکاران (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای به بررسی تحلیل حساسیت و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر ثبات مالی ایران در چارچوب ساخت شاخص ترکیبی پرداختند. دوره زمانی مورد مطالعه بین سال‌ها ۱۳۶۹ تا ۱۳۹۵ بوده است. در این مطالعه، یک شاخص ترکیبی برای ثبات مالی بر اساس چهار بعد "نهادهای سپرده‌پذیر"، "اقتصاد کلان"، "بخش خارجی" و "کیفیت نهادی" برای ایران ساخته شد. پس از ایجاد شاخص ترکیبی، با استفاده از روش تجزیه و تحلیل حساسیت، مؤثرترین نماگر بر "نوسانات" و "مقدار متوسط" شاخص ترکیبی ثبات مالی تعیین شد. نتایج نشان داد که از میان ۴۸ نماگر موجود، "نسبت کسری بودجه دولت به تولید ناخالص داخلی"، که یکی از شاخص‌های اصلی "سلامت مالی دولت" در بعد "کیفیت نهادی" است، بیشترین تأثیر منفی را بر "نوسانات" و "مقدار متوسط" شاخص ترکیبی ثبات مالی داشته؛ بنابراین، برای افزایش ثبات مالی در ایران، تمرکز بیشتری باید بر کنترل "نسبت کسری بودجه دولت به تولید ناخالص داخلی" باشد. در این مطالعه به ارتباط غیرخطی توجه نشده است. احمدپور کاچو و دیگران (۱۳۹۸) در مطالعات خود به بررسی تأثیر توسعه مالی و کیفیت نهادی بر رشد اقتصادی کشورهای *OECD* از ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۴ با استفاده از روش *GMM* برای داده‌های تابلویی پویا پرداختند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که توسعه مالی و کیفیت نهادی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر

گذاری عمومی و افزایش ازدحام سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی می‌شود. اثربخشی بیشتر دولت به ایجاد اعتماد با شفافیت و سیاست‌های عمومی بی‌طرفانه کمک می‌کند و قوانین و ثباتی را فراهم می‌کند که برای شرکت‌ها برای برنامه‌ریزی سرمایه‌گذاری و گسترش کسب‌وکارشان در بلندمدت ضروری است و تعامل سازنده‌ای بین دولت، کارگزاران عمومی و شرکت‌ها ایجاد می‌کند. به طور کلی، بسیاری از مطالعات توافق کرده‌اند که شفافیت اثربخشی دولت و اثرات مثبت مخارج عمومی بر رشد اقتصادی را مشروط می‌کند به گونه‌ای که از عوامل عدم دستیابی به رشد اقتصادی می‌توان به عدم شفافیت اقتصادی، ناقص بودن سیستم‌های تبادل اطلاعات و بزرگ بودن اقتصاد غیررسمی اشاره کرد که امکان حکمرانی اقتصادی و برنامه‌ریزی را از سیاستگذار می‌گیرد (لوپز و فونتین، ۲۰۱۹؛ مونتس و همکاران، ۲۰۱۹؛ موروزمی و ویگا، ۲۰۱۶؛ پچو کانه، ۲۰۱۸). علاوه بر این، شفافیت و پاسخگویی در سیاست‌گذاری دولت در دستیابی و حفظ رشد در سرمایه‌گذاری بلندمدت بخش خصوصی مهم است (براگا تادو و موریرا سیلوا، ۲۰۱۳). با این حال، حکمرانی ضعیف منجر به افزایش ریسک مربوط به تصمیمات سرمایه‌گذاری بخش خصوصی می‌شود. در این رابطه وانگ و همکاران^۶ (۲۰۱۹) نشان می‌دهد که ریسک کمتر می‌تواند سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بیشتری را جذب کند. بنابراین، سطوح بالای حکمرانی عمومی از نظر فساد کمتر، اثربخشی دولت، کیفیت نظارتی و حاکمیت قانون، تأثیر منفی ریسک بر سرمایه‌گذاری خصوصی را کاهش می‌دهد و در نتیجه تأثیر تراکم سرمایه‌گذاری دولتی بر سرمایه‌گذاری خصوصی را افزایش می‌دهد.

۲-۴. مطالعات پیشین

در مطالعات داخلی، بالونژاد و شجری پور (۱۴۰۰) رابطه علیت میان دو متغیر رشد اقتصادی و شمول مالی را مورد بررسی قرار دادند. برای این منظور در گام نخست، شاخص مورد نیاز برای شمول مالی با استفاده از روش شاخص‌سازی

^۴ Phuc Canh

^۵ Braga Tadeu and Moreira Silva

^۶ Wang et al

^۱ López and Fontaine

^۲ Montes et al

^۳ Morozumi and Veiga

پایداری باشد یافته‌ها نشان می‌دهد که کیفیت حکمرانی و توسعه مالی عوامل محرک در رشد اقتصادی پایدار در طولانی مدت هستند. در این مطالعه به ارتباط غیر خطی توجه نشده است. امراه و همکاران^۴ (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای به بررسی "شمول مالی و رشد اقتصادی: نقش حکمرانی در کشورهای منتخب (MENA)" پرداختند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که شمول مالی بر رشد سرانه تولید ناخالص داخلی در کشورهای منتخب تأثیر مثبت دارد. نتایج همچنین نشان می‌دهد که تأثیر دسترسی شرکت‌ها به منابع مالی تنها در حضور مؤسسات قوی از نظر آماری معنادار است. سو و همکاران^۵ (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای به بررسی "مخارج عمومی، حکومت عمومی و رشد اقتصادی در سطح استانی ویتنام" به تجزیه و تحلیل تفکیک شده برای دوره ۲۰۰۶-۲۰۱۵ با استفاده از روش پانل دیتا پرداختند. این مطالعه نتیجه‌گیری می‌کند که حکمرانی خوب که با ویژگی‌های متفاوتی مانند هزینه‌های غیررسمی کمتر، شفافیت بیشتر و سیاست‌های بی‌طرفانه مشخص می‌شود، نقش مهمی در بهبود تأثیر مخارج دولت بر رشد اقتصادی در استان‌های ویتنام، به‌ویژه از طریق تعامل آن با بخش خصوصی دارد. این مطالعه صرفاً بر رشد اقتصادی تمرکز کرده و از دیگر شاخص‌های توسعه استفاده نکرده است.

بررسی مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که اگرچه مطالعاتی به صورت مجزا در رابطه با اثر شمول مالی بر رشد اقتصادی، اثر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی و یا اثر هزینه‌های عمومی بر رشد اقتصادی انجام گرفته است، ولی تاکنون مطالعه‌ای اثرات شمول مالی و هزینه‌های عمومی با تحلیل حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی را به صورت همزمان مورد بررسی قرار نداده است که این موضوع یکی از جنبه‌های نوآوری تحقیق حاضر می‌باشد. همچنین تاکنون در مطالعه‌ای ارتباط غیر خطی متغیرهای تحقیق با بکارگیری اثرات آستانه‌ای حکمرانی خوب بر رابطه بین هزینه‌های عمومی، شمول مالی و رشد اقتصادی مورد بررسی قرار نگرفته است که این موضوع نیز یکی دیگر از جنبه‌های نوآوری تحقیق حاضر می‌باشد.

رشد اقتصادی کشورهای مورد نظر داشته است. علاوه بر این، اثر متقابل توسعه مالی و نهادی نشان داده است که توسعه مالی در کشورهای پیشرفته به دلیل ساختار نهادی مناسب رشد اقتصادی را بهبود می‌بخشد. در این مطالعه به ارتباط غیرخطی توجه نشده است. همچنین مباحث هزینه‌های عمومی و اثرات آن مورد توجه نبوده است. سلمانی و همکاران (۲۰۱۶) در تحقیقی، به بررسی اثرات کوتاه مدت و بلند مدت بدهی دولت بر رشد اقتصادی ایران با استفاده از روش *ARDL* در دوره ۱۳۵۴-۱۳۹۲ پرداخته‌اند. تأثیر منفی و معنی‌دار نسبت بدهی دولت به تولید ناخالص داخلی بر رشد اقتصادی ایران در این نتایج بدست آمد. در این مطالعه به ارتباط غیرخطی توجه نشده است. همچنین مباحث کیفیت نهادی و حکمرانی خوب و اثرات آن مورد توجه نبوده است.

در مطالعات خارجی نیز، جیما و مکونی^۱ (۲۰۲۳) در مطالعه‌ای به بررسی شمول مالی و رشد اقتصادی در صحرای آفریقا پرداخته‌اند. یافته‌های آن‌ها نشان داد که شمول مالی و رشد اقتصادی رابطه بلندمدتی قوی دارند و علیت دوسویه وجود دارد که نشان‌دهنده هم‌افزایی بین این دو متغیر است. در این مطالعه به مباحث حکمرانی خوب و هزینه‌های عمومی و اثرات آن مورد توجه نبوده است. پوشاپ و همکاران^۲ (۲۰۲۳) در مطالعه‌ای به بررسی اثرات شمول مالی بر توسعه اقتصادی کشور هند با در نظر گرفتن اثرات تعدیل‌کننده استفاده از اینترنت پرداخته‌اند. یافته‌های این تحقیق حاکی از این است که شمول مالی رابطه مثبت و معناداری با اهداف توسعه پایدار در هند دارد. با این حال، زمانی که تعداد مشترکین اینترنت زیاد باشد، ارتباط مثبت شمول مالی با توسعه پایدار کاهش می‌یابد. در این مطالعه به مباحث حکمرانی خوب و هزینه‌های عمومی و اثرات آن مورد توجه نبوده است. احمد و همکاران^۳ (۲۰۲۲) در مطالعه‌ای تأثیر کیفیت حکمرانی و توسعه مالی بر توسعه اقتصادی کشورهای منتخب طی دوره زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۹ را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج نشان‌دهنده وجود رابطه هم‌انباشتنی بین تحولات مالی، کیفیت نهادی و رشد

^۱ Ahmad et al^۲ Noha Emara & AyahEl Said^۳ Su Dinh Thanh & Neil Hart & Nguyen Phuc Canh^۴ Meshesha Demie Jima and Patricia Lindelwa Makoni^۵ Pushp et al

۳. روش شناسی تحقیق

هدف این مطالعه با پیروی از مطالعات امراه و همکاران^۱ (۲۰۲۱) که نشان داده اند شمول مالی اثرات مثبت بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب منا داشته اند و همچنین نقش تعدیل کننده حکمرانی خوب بر این رابطه را تأیید کرده اند؛ مطالعه سو و همکاران^۲ (۲۰۲۰) که نشان داده اند هزینه‌های عمومی و شمول مالی بر توسعه اقتصادی در کشور ویتنام اثر گذاری داشته است و همچنین نقش حکمرانی خوب را تأیید کرده اند، بررسی تأثیرات آستانه ای حکمرانی خوب در رابطه هزینه‌های عمومی، شمول مالی و رشد اقتصادی در منتخبی از کشورهای منطقه منا می باشد. دلیل انتخاب متغیر حکمرانی خوب به عنوان متغیر آستانه ای این موضوع می باشد که تعامل سازنده دولت- بازار میتواند راهگشای موفقیت فرآیند توسعه اقتصادی باشد. بر این اساس دولت و بازار دونهاد مکمل هستند نه دو نهاد رقیب. در واقع دولت به عنوان یک نهاد اجتماعی نهادساز، می باید با ایجاد نهادهای کارآمد، محیط مناسبی برای تنظیم روابط اقتصادی افراد و نهادهای جامعه به گونه ای کم هزینه، ساده و به دور از اتلاف وقت مهیا و از این رهگذر به عنوان دست یاری دهنده بازار موجبات رشد و توسعه اقتصادی را فراهم سازد. تدارک موفقیت آمیز این نهادها تحت عنوان حکمرانی خوب مطرح می شود. حکمرانی محصول مشارکت سه نهاد دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی است و به عنوان عامل تعیین کننده در توسعه اقتصادی کشورها در نظر گرفته می شود و بنابراین میزان کیفیت حکمرانی خوب و رسیدن آن به یک سطح استاندارد، شرط اثر گذاری موثر سایر متغیرها بر توسعه اقتصادی می باشد. بر همین اساس، شاخص حکمرانی خوب به عنوان متغیر آستانه ای در نظر گرفته شده است. شکل عمومی مدل *PSTR*، با توجه به این که متغیر وابسته شاخص رشد اقتصادی و متغیرهای توضیحی؛ هزینه‌های عمومی، شمول مالی و حکمرانی خوب است، به صورت زیر می‌باشد:

$$GR_{it} = \alpha_0 + \beta_1 GR_{it-1} + \beta_2 GI_{it} + \beta_3 GovEX_{it} + \beta_4 FI_{it} + (\theta_1 GI_{it} + \theta_2 GovEX_{it} + \theta_3 FI_{it})F(GI_{it}, \gamma, c) + u_{it}$$

(۱)

که در آن تابع گذار F برابر است با:

$$F(S_{it}, \gamma, c) = (1 + \exp\{-\gamma(GI_{it} - c)\})^{-1}, \quad \gamma > 0 \quad (۲)$$

Y_{it} رشد اقتصادی: در این تحقیق نیز از نرخ رشد *GDP* سرانه به قیمت ثابت سال ۲۰۱۵ به عنوان معیار رشد اقتصادی کشورها استفاده شده است. داده های مربوط به این متغیر از پایگاه داده های بانک جهانی *WDI* گردآوری شده است.

GI_{it} شاخص حکمرانی خوب: برای سنجش کیفیت حکمرانی، بر اساس مطالعه دینه و همکاران (۲۰۲۰)، پنج گروه فرعی مختلف با هم ترکیب می‌شوند: (۱) اندازه دولت (۲) سیستم قانونی و حقوق مالکیت (۳) پاسخگویی و شفافیت (۴) تجارت آزاد بین المللی (۵) مقررات اعتبار، کار و کسب و کار. از میانگین ساده حسابی، پنج شاخص حکمرانی خوب معرفی شده توسط موسسه فریزر^۳، شاخص کیفیت حکمرانی بدست آمده است. مولفه های اصلی در این پنج حوزه وجود دارد و این اجزا شامل مولفه های فرعی هستند که منجر به شاخص کلی متغیرهای مستقل می‌شود. در این شاخص، مقدار صفر نشان دهنده حکمرانی بد و مقدار ده نماینده حکمرانی خوب است. از این متغیر جهت انتقال استفاده شده است.

FI_{it} شاخص شمول مالی (نسبت تعداد حساب های بانکی به جمعیت) از سایت بانک جهانی و یا از سایت *FAS* استخراج می شود.

$GovEX_{it}$ مخارج عمومی دولت (نسبت هزینه های عمومی دولت) به تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت می‌باشد.

به منظور بررسی ویژگی‌های مدل *PSTR* با تابع انتقال لاجستیک بر اساس مدل ون دیک (۱۹۹۹)، فرض می‌شود متغیر وابسته GR_{it} تنها تابعی از مقادیر وقفه دار خودش

^۲ <https://www.fraserinstitute.org>

^۳ Federation of American Scientists

^۱ Noha Emara & AyahEl Said

^۲ Su Dinh Thanh & Neil Hart & Nguyen Phuc Canh

آذربایجان، مصر، ایران، اردن، بحرین، عمان، قطر، عربستان سعودی، پاکستان، امارات و ترکیه) می باشد و داده‌ها از سایت بانک جهانی استخراج خواهد شد. مهم ترین دلیل انتخاب کشورهای منتخب منا به عنوان نمونه آماری تحقیق، این می باشد که براساس گزارش های صندوق بین‌المللی پول، کشورهای منطقه منا در سال ۲۰۲۱ به‌طور میانگین رشد اقتصادی ۰/۳ درصدی را تجربه کرده اند که بسیار پایین تر از میانگین دو دهه اخیر بوده است، از جمله مهم ترین دلایل کاهش رشد اقتصادی این کشورها می‌توان به مواردی همانند کاهش چشمگیر فعالیت‌های اقتصادی ایران، کاهش تولید نفت و درآمدهای نفتی، شرایط مالی داخلی محدودکننده و وضعیت بودجه دولت در برخی از اقتصادهای منطقه منا اشاره داشت. بنابراین بررسی عاملی که بتواند نقش تعیین کننده در مورد ارتباط بین متغیرهای همانند گستره خدمات مالی، هزینه های دولت و رشد و توسعه اقتصادی این کشورها داشته باشد ضروری به نظر رسیده که در این تحقیق بر نقش حکمرانی خوب تمرکز شده است و انجام تحقیق حاضر برای کشورهای منطقه منا موضوعیت پیدا خواهد کرد. در نرم افزار استاتا ۱۵ و مدل پانل حدآستانه ای انتقال ملایم *PSTAR*، به تجزیه و تحلیل داده ها، در کشورهای منتخب منا پرداخته خواهد شد.

باشد. در این صورت با فرض یک تابع انتقال دو رژیمی رابطه زیر به دست می‌آید:

$$GR_{it} = (\theta_0 + \theta_1 GR_{it-1} + \dots + \theta_p GR_{it-p}) + (\phi_0 + \phi_1 GR_{it-1} + \dots + \phi_p GR_{it-p}) G(GI_{it}, \gamma, c) + u_{it} \quad (۳)$$

$$G(GI_{it}, \gamma, c) = \frac{1}{1 + \exp\{-\gamma(GI_{it} - c)\}} \quad (۴)$$

نتایج این مدل یک مدل *PSTR* دو رژیمی نامیده می‌شود که پارامتر مکان c نقطه‌ای از انتقال بین دو رژیم حدی $G(GI_{it}, \gamma, c) = 0$ و $G(GI_{it}, \gamma, c) = 1$ را نشان می‌دهد که $G(GI_{it}, \gamma, c) = 0.5$ است. γ پارامتر شیب است که نشانگر سرعت انتقال بین رژیم‌ها بوده و دارای قید بدیهی $\gamma > 0$ می باشد، مقادیر بیشتر γ بیانگر تغییر سریع‌تر رژیم است. GI_{it} بیانگر متغیر انتقال است و می‌تواند از بین متغیرهای توضیحی، وقفه متغیر وابسته، یا هر متغیر دیگر خارج از مدل که از حیث مبانی نظری در ارتباط با مدل مورد مطالعه بوده و عامل ایجاد رابطه غیر خطی باشد، انتخاب گردد. بازه زمانی مطالعه حاضر، داده های سالانه از 2000 تا ۲۰۲۱ و در مقاطع کشورهای منتخب منا (شامل

۴. نتایج تحقیق

در ابتدا آمار توصیفی متغیرهای تحقیق مرور می‌شود:

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	GOVEX	GI	FI	GR
تعریف	مخارج عمومی دولت	حکمرانی خوب	شمول مالی	رشد اقتصادی
میانگین	77.66	-0.11	39.64	0.08
انحراف معیار	61.38	0.75	18.57	0.05
ماکزیمم	575.90	1.77	96.57	0.18
مینیمم	5.01	-1.80	1.71	-0.05

منبع: یافته‌های تحقیق

توصیفی سایر متغیرهای تحقیق نیز در جدول ارائه شده است. پیش از برآورد مدل *PSTR*، نیاز است تا مانایی متغیرهای تحقیق آزمون شود که برای این کار از آزمون لوین لین چو استفاده شده است. نتایج حاصل از این آزمون در جدول (۳) ارائه شده است.

همان طور که مشاهده می‌شود میانگین متغیر رشد اقتصادی برای کشورهای در حال توسعه برابر با ۰/۰۸ می باشد در حالی که میانه این متغیر برابر با ۰/۰۵ بوده است. آمارهای مربوط به انحراف معیار، چولگی و کشیدگی متغیر رشد اقتصادی در جدول قابل مشاهده می‌شود. پارامترهای

نتایج تحقیق نشان می‌دهد با توجه به سطح معناداری متغیرها، تمامی متغیرهای تحقیق در سطح مانا می‌باشند. در ادامه به ارائه نتایج حاصل از آزمون های F لیمر و هاسمن پرداخته می‌شود.

جدول (۲): آزمون مانایی متغیرها

متغیر	تعریف	آماره آزمون در سطح	نتیجه گیری
GR	رشد اقتصادی	-۱۶/۲۰***	مانا در سطح
GI	کیفیت حکمرانی	-۱۲/۸۵***	مانا در سطح
$GovEx$	مخارج عمومی دولت	-۴/۴۱***	مانا در سطح
FI	شمول مالی	-۳/۱۸***	مانا در سطح

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول (۳): نتایج آزمون F لیمر

آزمون	آماره آزمون	احتمال
لیمر F	2/09	۰/۰۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج آزمون F لیمر نشان می‌دهد از آن جا که سطح احتمال این آزمون کمتر از سطح خطای ۵ درصد است، روش داده‌های پانلی تأیید می‌گردد. نتایج آزمون هاسمن جهت تشخیص اثرات ثابت یا اثرات تصادفی بودن مدل مشخص می‌شود:

جدول (۴): نتایج آزمون هاسمن

آزمون	آماره آزمون	احتمال
هاسمن	۱۳/۲۳۵۳	۰/۰۴۶۷

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به این که سطح احتمال آزمون هاسمن کمتر از سطح خطای ۵ درصد می‌باشد، روش داده‌های اثرات ثابت تأیید می‌گردد. در ادامه و برای بررسی وجود رابطه خطی یا غیر خطی بین متغیرهای مدل باید بررسی شود که آیا (m تعداد پارامترهای رژیم) یک است یا خیر. لازم به ذکر است که در آزمون‌های ذیل فرض بر آن است که مدل خطی است و فرض مقابل نیز مدل $PSTR$ لجستیک یا مدل $PSTR$ نمایی ($m=2$) خواهد بود. نتایج آزمون تشخیص در جدول (۷) نشان می‌دهد که خطی بودن مدل (فرض صفر) رد می‌شود؛ بنابراین رابطه غیر خطی نقش حکمرانی خوب در رابطه هزینه‌های عمومی، شمول مالی و توسعه اقتصادی در کشورهای مورد بررسی وجود دارد و قاعداً برای برآورد پارامترهای مدل لازم است از روش $PSTR$ استفاده شود.

جدول (۵): نتایج آزمون فرضیه خطی بودن مدل (آزمون BBC)

فرض صفر	F آماره	سطح معنی داری
آزمون والد	۱۴۵/۱۶	۰/۰۰۰۰
آزمون فیشر	۳۹/۴۸	۰/۰۰۰۰
LRT آزمون	۱۸۹/۸۵	۰/۰۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

دو تابع انتقال مورد آزمون قرار گرفته که نتایج آن در جدول (۷) ارائه شده است. نتایج نشان می‌دهد که فرضیه صفر مبنی بر کفایت لحاظ نمودن یک تابع انتقال در هر دو حالت وجود یک و دو حد آستانه‌ای رد نشده است. بنابراین یک تابع انتقال قادر به تصریح رفتار غیر خطی میان نقش حکمرانی خوب در رابطه هزینه‌های عمومی، شمول مالی و رشد اقتصادی می‌باشد.

همان‌گونه که در نتیجه آزمون انجام شده در جدول (۶) نیز مشهود است فرضیه خطی بودن رابطه بین متغیرها مردود است، بنابراین احتمال وجود رابطه خطی بین متغیرها نفی می‌گردد. همچنین لازم به ذکر است که مدل $(PSTR)$ پیشنهادی توسط متغیر انتقال انتخاب شده به عنوان مدل بهینه جهت برآورد مدل در کشورهای منتخب انتخاب می‌شود. برای این منظور به پیروی از گونزالز و همکاران (۲۰۰۵) فرضیه صفر وجود الگوی $PSTR$ با یک تابع انتقال در مقابل فرضیه وجود الگوی $PSTR$ با حداقل

جدول (۶): آزمون وجود رابطه غیر خطی باقیمانده

حالت وجود یک حد آستانه			حالت وجود دو حد آستانه		
$M=1$			$M=2$		
LM_w	LM_f	LR	LM_w	LM_f	LR
۲/۳۵۲۱	۰/۵۵۱۰	۱/۱۵۲۵	۱/۱۸۲۵	۲/۳۵۲۱	۳/۱۰۲۵
(۰/۹۲۱۱)	(۰/۷۱۵۹)	(۰/۸۰۲۱)	(۰/۸۵۲۰)	(۰/۷۵۹۲)	(۰/۵۶۹۲)

$$H_0: r=1, H_1: r=2$$

منبع: یافته‌های تحقیق

آکائیک مدل $PSTR$ با لحاظ یک حد آستانه‌ای مدل بهینه است. لذا یک مدل $PSTR$ با یک تابع انتقال و یک حد آستانه‌ای برای بررسی رفتار غیر خطی میان متغیرهای مورد مطالعه انتخاب می‌گردد که نتایج حاصل از تخمین آن‌ها در ادامه ارائه شده است:

با تأیید وجود رابطه غیر خطی میان متغیرها و کفایت نمودن یک تابع انتقال برای تصریح رفتار غیر خطی در ادامه باید حالت بهینه میان تابع انتقال با یک یا دو حد آستانه‌ای انتخاب گردد. برای این منظور مدل $PSTR$ متناظر با هر یک از این حالت‌ها برآورد خواهد شد و از میان آنها بر اساس معیارهای مجموع مجذور باقی مانده‌ها، شوارتز و

جدول (۷): برآورد الگو به وسیله مدل $PSTR$

برآورد قسمت خطی مدل				
متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	احتمال
C	۰,۹۷۹۰۶۰	۰,۰۰۹۹۹۱	۹۷,۹۹۵۲	۰,۰۰۰۰
GI	۰,۱۴۴۶۰۲	۰,۰۰۸۸۹۵	۱۶,۲۵۷۳۰	۰,۰۰۰۰
FI	۰,۰۶۶۶۷۰	۰,۰۱۶۸۳۷	۳,۹۵۹۸۲۴	۰,۰۰۰۱
$GOVex$	۰,۰۰۱۶۷۵	۰,۰۰۲۸۲۲	۰,۵۹۳۳۳۹	۰,۵۵۳۲
برآورد قسمت غیرخطی مدل				
C	۰,۳۵۰۹۸۴	۰,۰۷۶۲۷۹	۴,۶۰۱۳۳۳	۰,۰۰۰۰
GI	۰,۵۷۵۸۰۲	۰,۰۱۷۷۶۵	۳۲,۴۱۳۰۳	۰,۰۰۰۰
FI	۰,۱۴۶۷۵۱	۰,۰۳۰۶۳۹	۴,۷۸۹۶۹۴	۰,۰۰۰۰
$GOVex$	۰,۰۶۹۷۷۱	۰,۰۲۲۲۵۳	۳,۱۳۵۳۲۸	۰,۰۰۲۰
حد آستانه‌ای	۱,۰۳۶۲۱۶	۰,۰۰۹۴۵۰	۶۵۴,۶۶۰۳	۰,۰۰۰۰
پارامتر شیب (۷)	۳,۳۳۱۴۳۹	۰,۲۶۴۹۱۱	۱۲,۵۷۵۷۰	۰,۰۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

(GI) به عنوان متغیر آستانه ای در نظر گرفته شده است، مشاهده می‌شود که مقدار آستانه ای متغیر GI برابر با

طبق برآورد انجام شده در مدل که در آن شاخص رشد اقتصادی به عنوان متغیر وابسته و متغیر حکمرانی خوب

ضریب برابر با ۰/۰۶۹ با احتمال ۰/۰۰۲۰ می‌باشد که بیانگر میزان اثر گذاری بیشتر و معنادار در رژیم غیر خطی می‌باشد. مقدار احتمال آماره F نیز نشان می‌دهد از آن جا که مقدار احتمال کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ می‌باشد، کل مدل رگرسیونی به لحاظ آماری معنادار می‌باشد. در ادامه آزمون های فروض کلاسیک جهت اعتماد به ضرایب مرور می‌گردد.

آزمون فروض کلاسیک:

در این بخش آزمون فروض کلاسیک شامل آزمون های نرمالیتی، واریانس ناهمسانی، خودهمبستگی و همخطی ارائه می‌شود.

۱/۰۳ می‌باشد. همچنین مشاهده می‌شود در رژیم اول (زمانی که متغیر GI کمتر از ۱/۰۳ می‌باشد)، متغیر FI اثر مثبت بر متغیر GR داشته است که مقدار ضریب برابر با ۰/۰۶۶ با احتمال ۰/۰۰۰۱ می‌باشد در حالی که در رژیم دوم (زمانی که متغیر GI بیشتر از ۱/۰۳ می‌باشد)، متغیر FI اثر مثبت بر متغیر GR داشته است که مقدار ضریب برابر با ۰/۱۴۶ با احتمال ۰/۰۰۰۰ می‌باشد که بیانگر میزان اثر گذاری بیشتر در رژیم غیر خطی می‌باشد. در نهایت مشاهده می‌شود در رژیم اول (زمانی که متغیر GI کمتر از ۱/۰۳ می‌باشد)، متغیر $GOVEX$ اثر مثبت بر متغیر GR داشته است که مقدار ضریب برابر با ۰/۰۰۱ و به لحاظ آماری غیر معنادار می‌باشد در حالی که در رژیم دوم (زمانی که متغیر GI بیشتر از ۱/۰۳ می‌باشد)، متغیر $GOVEX$ اثر مثبت بر متغیر GR داشته است که مقدار

جدول (۸): آزمون نرمالیتی باقیمانده های تحقیق

آزمون نرمالیتی	آماره جاک برا	احتمال
۲/۱۷	۰/۱۵۲۹	

منبع: یافته های تحقیق

در آزمون نرمالیتی، فرض صفر بیان می‌کند که اجزای باقیمانده مدل رگرسیونی نرمال هستند. با توجه به این که آماره جاک برا احتمال بالاتر از ۰/۰۵ دارد، نشان می‌دهد فرض صفر مبنی بر نرمال بودن اجزای باقیمانده مدل رگرسیونی تأیید می‌گردد.

جدول (۹): آزمون والد همسان بودن واریانس ها

آماره آزمون	احتمال	نتیجه
۱۱/۲۱	۰/۴۲۵۲	عدم ناهمسانی واریانس

منبع: یافته های تحقیق

نتایج مندرج در جدول فوق نشان می‌دهد که احتمال آماره محاسبه شده در آزمون والد تعدیل شده برای مدل پژوهش بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشد از این رو فرضیه H_0 این آزمون مبنی بر همسان بودن واریانس رد نمی‌شود.

جدول (۱۰): آزمون وولدریج عدم خودهمبستگی باقیمانده ها

آماره آزمون	احتمال	نتیجه
۶/۱۴	۰/۴۴۲۵	عدم خود همبستگی

منبع: یافته های تحقیق

از ۰/۰۵ می‌باشد از این رو فرضیه H_0 این آزمون مبنی بر عدم خودهمبستگی باقیمانده ها رد نمی‌شود.

نتایج مندرج در جدول فوق نشان می‌دهد که احتمال آماره محاسبه شده در آزمون وولدریج برای مدل پژوهش بزرگتر

جدول (۱۱): آزمون هم خطی VIF متغیرهای مستقل

متغیر	ضریب VIF
C	NA
Fi	1.423651
$GOVEX$	1.126148

منبع: یافته‌های تحقیق

ندارند و این در حالی است که طرح‌های با بازده بالا، معمولاً پرمخاطره‌تر از طرح‌های با بازده پایین می‌باشند. بدین ترتیب بازارهای مالی که پراکندگی مخاطره را تسهیل می‌نمایند، تمایل تغییر در سبد طرح‌ها به سمت طرح‌های با بازده مورد انتظار بالا را افزایش می‌دهند و این کار باعث بالا رفتن بازده سرمایه‌گذاری‌ها و دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی می‌شود (تسهیم مخاطره مقطعی). از طرف دیگر مخاطراتی مانند شوک‌های اقتصاد کلان، که نمی‌توانند در یک نقطه از زمان پراکنده شوند، می‌توانند بین نسل‌ها پراکنده گردند. واسطه‌های با عمر طولانی می‌توانند تسهیم مخاطرات بین نسلی را با سرمایه‌گذاری در طرح‌های بلندمدت و ارائه بازده‌های نسبتاً پایین در رونق‌ها و بازده‌های نسبتاً بالا در رکودها تسهیل نمایند (تسهیم مخاطره بین دوره‌ای). همچنین شمول مالی باعث کاهش مخاطره نقدینگی می‌شود. مخاطره نقدینگی در اثر عدم اطمینان-های مربوط به تبدیل دارایی‌ها به وسیله مبادله بروز می‌کند (حاجیلی^۲، ۲۰۱۸). در رابطه با اثر گذاری مثبت متغیر شمول مالی بر رشد اقتصادی، یافته‌های مطالعه حاضر با نتایج بدست آمده توسط لی و همکاران (۲۰۱۹)، پرماتاساری و ننگتیاس (۲۰۲۰) و چینودا و ماشامبا (۲۰۲۱) مطابقت دارد.

همچنین نتایج این مطالعه بر اساس تجربه کشورهای مختلف نشان داده که توسعه سیستم مالی در صورتی اثربخش خواهد بود که مقامات اجرایی مهارت کافی را برای مدیریت این توسعه داشته باشند. به عبارت دیگر حکمرانی خوب می‌تواند بر این رابطه موثر باشد. قسمت عمده این مهارت نیز در فرایند یادگیری در هنگام عمل

با توجه به یافته‌های مندرج در جدول فوق، از آنجا که وی آی اف ضرایب مدل‌های برآورد شده کوچک‌تر از عدد ۱۰ می‌باشد، لذا نتیجه گرفته می‌شود که میزان هم خطی در بین متغیرهای توضیحی در حد مطلوب می‌باشد.

۵. نتیجه گیری و پیشنهادات

از مهمترین نتایج مطالعه اثر گذاری حکمرانی خوب به عنوان متغیر انتقال بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب منا می‌باشد. در این رابطه استدلال می‌شود ضعف در به کارگیری و عملی نمودن اصول حاکمیت دولتی، یکی از مهم‌ترین موانع رشد و توسعه در کشورهای در حال توسعه و گسترش دهنده فساد می‌باشد. کشورهای توسعه یافته به دلیل گسترده بودن نهادها و مؤسسات مالی، استفاده از ابزارهای مختلف مالی و وجود قوانین مالی مناسب و همچنین ثبات سیاست‌های مالی، از بخش مالی کارآمدتری برخوردار هستند. برخی از اقتصاددانان بر این باورند که توسعه مالی تاثیر انکارناپذیری در عملکرد کلان اقتصادی کشورها و رشد پایدار داشته است، تا حدی که امروزه در اکثر کشورهای توسعه یافته بخش عمده ای از تحولات در اقتصاد جهانی را به این بازارها نسبت می‌دهند اما شرایط در کشورهای در حال توسعه متفاوت است و سیاست‌های مختلف می‌تواند اثرات متفاوتی داشته باشد (اسماعیل و سیک^۱، ۲۰۲۱). در رابطه با اثر گذاری مثبت متغیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی، یافته‌های مطالعه حاضر با نتایج بدست آمده توسط اسماعیل و سیک (۲۰۲۱) و احمد و همکاران (۲۰۲۱) مطابقت دارد.

گسترش شمول مالی نیز می‌تواند مخاطرات مالی را کاهش دهد. عموماً پس‌اندازکنندگان علاقه‌ای به پذیرش مخاطره

² Hajilee

¹ Ismail & Sek

بالونژاد، روزبه و شجری پور، شقایق (۱۴۰۰). بررسی رابطه علیت میان رشد اقتصادی و شمول مالی: کاربردی از روش علیت بوت استرپ، نظریه های کاربردی اقتصاد، سال: دوره ۸، شماره: ۴، ص ص: ۲۲۵-۲۵۲
سلمانی، یونس و یآوری، کاظم و سحابی، بهرام و اصغرپور، حسین (۱۳۹۵). اثرات کوتاه مدت و بلندمدت بدهی های دولت بر رشد اقتصادی در ایران، مطالعات اقتصادی کاربردی ایران (مطالعات اقتصادی کاربردی)، دوره: ۵، شماره: ۱، ص ص ۸۱-۱۰۷

Aman Pushp and Rahul Singh Gautam and Vikas Tripathi and Jagjevan Kanoujiya and Shailesh Rastogi and Venkata Mrudula Bhimavarapu and Neha Parashar (2023). *Impact of financial Inclusion on India's Economic Development under the Moderating Effect of Internet Subscribers*, *J. Risk financial Manag.* 2023, 16, 262. <https://doi.org/10.3390/jrfm16050262>.

Ahmad, M., Ahmed, Z., Yang, X., Hussain, N., & Sinha, A. (2022). *Financial development and environmental degradation: do human capital and institutional quality make a difference?* *Gondwana Research*, 105, 299-310.

Acemoglu, D., Robinson, J., 2010. *The role of institutions in growth and development Leadership, growth*. In: Michael, S., David, B. (Eds.), pp. 135.

Afonso, A., Furceri, D., 2010. *Government size, composition, volatility and economic growth*. *European Journal of Political Economy* 26 (4), 517-532.

Attila, J., 2008. *Corruption, taxation and economic growth: Theory and evidence*. *CERDI working paper E 2008*, pp. 29.

Bnna, H., Alam, M. R., Ahmad, R., & Sari, N. M. (2020). *Does Financial Inclusion Drive the Islamic Banking Efficiency? A Post-Financial Crisis Analysis*. *The Singapore Economic Review*. 1-26.

Baga Tadeu, H.F., Moreira Silva, J.T., 2013. *The determinants of the long-term private investment in Brazil: An empirical analysis using cross-section and a Monte Carlo simulation*. *Journal of Economics Finance and Administrative Science* 18 (Supplement), 11-17.

Crboni, O.A., Medda, G., 2011. *Government spending and growth in a neoclassical model*.

ایجاد می شود یعنی با مجریان کارآمد، بخش مالی می تواند تا اندازه ای نیز توسعه یابد قبل از آن که قوانین آن پیچیده شده باشند و سبب توسعه اقتصادی شود. در رابطه با اثر گذاری مثبت متغیر هزینه های دولت بر رشد اقتصادی، یافته های مطالعه حاضر با نتایج بدست آمده توسط جارالا (۲۰۱۹)، ترومل (۲۰۱۸)، بانا و همکاران (۲۰۲۰)؛ مطابقت دارد.

در نهایت، با توجه به نتایج تحقیق که نشان می دهد کیفیت حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی کشورهای مورد بررسی اثر مثبت و معنی داری داشته است، پیشنهاد می گردد که سیاست گذاران کلان در کشورهای مورد بررسی، سیاست ها، قوانین و الزاماتی را جهت تقویت وضعیت حکمرانی در کشورهای خود وضع نمایند و دولت ها را ملزم به اجرا و پیاده سازی این قوانین نمایند تا ضمن بهبود وضعیت کیفیت حکمرانی در کشورها، زمینه برای بهبود توسعه اقتصادی نیز فراهم گردد. علاوه بر این، پیشنهاد می گردد سیاست گذاران در بخش کلان اقتصادی کشورهای مورد بررسی، از طریق انجام تحقیقات و بررسی های لازم، یک حد متناسب از فعالیت های دولت در اقتصاد را شناسایی کرده تا از طریق انجام هزینه های عمومی دولت در آن بازه شناسایی شده، زمینه برای بهبود توسعه اقتصادی کشورها فراهم گردد. در نهایت نیز پیشنهاد می گردد قانون گذاران در بخش مالی و به طور خاص گستره خدمات مالی در کشورها، تلاش نمایند تا سرمایه گذاری های لازم در زمینه توسعه زیرساخت های مالی و گستره خدمات و امکانات مورد نیاز مردم در اقصاء نقاط کشور فراهم گردد تا از این طریق و ضمن بهبود وضعیت شمول مالی در کشورها، زمینه برای بهبود توسعه اقتصادی کشورها فراهم گردد.

فهرست منابع و مآخذ

سید حسین زاده یزدی، مجتبی، عرفانی، علیرضا، قائمی اصل، مهدی. (۱۳۹۹). تحلیل حساسیت و رتبه بندی عوامل مؤثر بر ثبات مالی ایران در چارچوب ساخت شاخص ترکیبی. *مجله تحقیقات اقتصادی*، ۵۵(۱)، ۵۷-۸۵
احمدپور کچو، علی، دهمرده، نظر. (۱۳۹۸). اثر توسعه مالی و کیفیت نهادی بر رشد اقتصادی کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی. *اقتصاد و توسعه منطقه ای*، ۲۶(۱۷)، ۳۳-۶۲

- Dissou, Y., Didic, S., Yakautsava, T., 2016. Government spending on education, human capital accumulation, and growth. *Economic Modelling* 58, 9–21.
- Dzhumashev, R., 2014. Corruption and growth: The role of governance, public spending, and economic development. *Economic Modelling* 37, 202–215.
- Emara, Noha and El Said, Ayah (۲۰۲۱). *financial Inclusion and Economic Growth: The Role of Governance in Selected MENA Countries*, Online at <https://mpr.a.u.b.unimuenchen.de/99257/> MPRA Paper No. 99257, posted 27 Mar 2020 07:51 UTC.
- Gerry, C.J., Lee, J.-K., Mickiewicz, T.M., 2010. Governance, institutions and growth: Empirical lessons from the post-communist transition. In: Marelli, E., Signorelli, Gnzalez, R, Goel, R. K. and Korhonen, I. (2005). *Composition of exports and cross-country corruption. (Institute for Economics in Transition, BOFIT Discussion Papers 5/ 2005)*. Available at: www.suomenpankki.fi/bofit.
- Gutam, Rahul Singh, Shailesh Rastogi, Aashi Rawal, Venkata Mrudula Bhimavarapu, Jagjeevan Kanoujiya, and Samaksh Rastogi. 2022. *Financial Technology and Its Impact on Digital Literacy in India: Using Poverty as a Moderating Variable*. *Journal of Risk and Financial Management* 15: 311. [Google Scholar] [CrossRef]
- H, B., Mendoza, R.U., 2013. Public health spending, governance and child health outcomes: Revisiting the links. *Journal of Human Development and Capabilities* 14
- Hjilee M. (2018) "On the link between financial market inclusion and trade openness: An asymmetric analysis". *Economic Analysis and Policy*. 10(2), 19-26.
- Imail, S. F., & Sek, S. K. (2021). Investigating the effects of monetary versus fiscal policies on GDP growth in Malaysia: Smooth transition autoregressive (STAR) approach. In *AIP Conference Proceedings (Vol. 2423, No. 1, p. 070010)*. AIP Publishing LLC.
- Jrallah, S.A. *An analysis of corporate social responsibility and firm performance with moderating effects of CEO power and ownership structure: A case study of the manufacturing sector of Pakistan*. *Sustainability* 2019, 11, 248.
- Mathematics and Financial Economics* 4 (4), 269–285.
- Crrère, C., de Melo, J., 2012. *Fiscal Spending and Economic Growth: Some Stylized Facts*. *World Development* 40 (9), 1750–1761.
- Cvicholi, M., Pistori, B., 2016. Testing threshold cointegration in Wagner's Law: The role of military spending. *Economic Modelling* 59, 23–31.
- Cazzavillan, G., 1996. Public spending, endogenous growth, and endogenous fluctuations. *Journal of Economic Theory* 71 (2), 394–415.
- Chen, S.-T., Lee, C.-C., 2005. Government size and economic growth in Taiwan: A threshold regression approach. *Journal of Policy Modeling* 27 (9), 1051–1066.
- Checherita KD, Rother M. Do competition and efficiency lead to bank stability? Evidence from Bangladesh. *Future Business Journal*; 7(1): 1-12, 2010.
- Chinoda, A. T., Mashamba, W., F. (2021). *The necessity of financial inclusion for enhancing the economic impacts of remittances*. *Borsa Istanbul Review*. Available online 9 January 2021, In Press, Corrected Proof.
- Cooray, A., 2009. Government expenditure, governance and economic growth. *Comparative Economic Studies* 51 (3), 401–418.
- Curristine, T., Lonti, Z., Joumard, I., 2007. Improving public sector efficiency. *OECD Journal on Budgeting* 7 (1), 1–41.
- Barro, R.J., 1990. Government spending in a simple model of endogeneous growth. *Journal of Political Economy* 98 (5) Part 2, S103–S25.
- Daniel, S., Roşoiu, I., 2015. The impact of the government revenues and expenditures on the economic growth. *Procedia: Economics and Finance* 32, 526–533.
- Darden, K., 2002. Graft and governance: Corruption as an informal mechanism of state control. In: *Paper presented at the conference on Informal Institutions and Politics in the Developing World*, Weatherhead Center for International Affairs. Harvard University April.
- Di Liddo, G., Magazzino, C., Porcelli, F., 2018. Government size, decentralization and growth: empirical evidence from Italian regions. *Applied Economics* 50 (2), 5

- Mrkus, S., Mendelski, M., 2015. Institutional complementarity, economic performance and governance in the post-communist world. *Comparative European Politics* 13 (3), 376–404.
- Mntes, G.C., Bastos, J.C.A., de Oliveira, A.J., 2019. Fiscal transparency, government effectiveness and government spending efficiency: Some international evidence based on panel data approach. *Economic Modelling* 79, 211–225.
- Mrozumi, A., Veiga, F.J., 2016. Public spending and growth: The role of government accountability. *European Economic Review* 89, 148–171.
- Mshesha Demie Jima and Patricia Lindelwa Makoni (2023). financial Inclusion and Economic Growth in Sub-Saharan Africa—A Panel ARDL and Granger Non-Causality Approach, *J. Risk financial Manag.* 2023, 16, 299. <https://doi.org/10.3390/jrfm16060299>.
- Nuyen-Van, P., Pham, T.K.C., Le, D.-A., 2018. Productivity and public expenditure: a structural estimation for Vietnam's provinces. *Asia-Pacific Journal of Regional Science* 1–26 < VOL? > .
- Park, Cyn-Young, and Rogelio Mercado. 2015. *Financial Inclusion, Poverty, and Income Inequality in Developing Asia*. Asian Development Bank Economics Working Paper Series; Mandaluyong: ADB, p. 426. [Google Scholar]
- Permatasari, Y., & Nengtyas, A. V. R. (2020). The Effect of Financial reporting and debt maturity quality of investment efficiency with litigation risk as moderated variables. *International Journal of Innovation, Creativity and Change*, 10(12).
- 1.
- Philip Balele, Nguling'wa (2019). "The Impact of Financial Inclusion on Economic Growth in Sub-Saharan Africa", *Journal of Applied Economics and Business* . 15, 55-66.
- Phuc Canh, N., 2018. The effectiveness of fiscal policy: contributions from institutions and external debts. *Journal of Asian Business and Economic Studies* 25 (1), 50–66 < is this correctly cited? The Emerald site has it like this, but a web search has it as Canh, N.P. > .
- Pickering. A. and Valle. H. A. (2012). Openness, imported commodities and the
- Johnson, Susan, and Steven Arnold. 2012. Inclusive financial markets: Is transformation under way in Kenya? *Development Policy Review* 30: 719–48. [Google Scholar] [CrossRef]
- Jones, C.I., Romer, P.M., 2010. The new Kaldor facts: ideas, institutions, population, and human capital. *American Economic Journal: Macroeconomics* 2 (1), 224–245.
- Kiran, B., 2014. Testing the impact of educational expenditures on economic growth: new evidence from Latin American countries. *Quality & Quantity* 48 (3),
- Khan, I.; Khan, I.; Sayal, A.U.; Khan, M.Z. Does financial inclusion induce poverty, income inequality, and financial stability: Empirical evidence from the 54 African countries? *J. Econ. Stud.* 2021, 49, 303–314.
- Kumah, S., Brazys, S., 2016. Democracy or accountability? Governance and social spending in Africa. *Journal of Development Studies* 52 (2), 286–299.
- Le, T. H., Chuc, A. T., & Taghizadeh-Hesary, F. (2019). Financial inclusion and its impact on financial efficiency and sustainability: Empirical evidence from Asia. *Borsa Istanbul Review*, 19(4), 310-322.
- Levine, Ross. 2005. Chapter 12 Finance and growth: Theory and evidence. In *Handbook of Economic Growth*. Edited by Philippe Aghion and Steven N. Durlauf. Amsterdam: Elsevier Science. [Google Scholar] [CrossRef]
- Levine, Ross, and Sara Zervos. 2000. Stock markets, banks, and economic growth. *American Economic Review* 88: 537–58. Available online: <https://www.jstor.org/stable/116848> (accessed on 11 January 2021).
- Liu, Y., Xiong, W., Song, J., 2021. The moderating role of governance environment on the relationship between risk allocation and private investment in PPP markets: Evidence from developing countries. *International Journal of Project Management* 37 (1), 117–130
- López, L., Fontaine, G., 2019. How transparency improves public accountability: The extractive industries transparency initiative in Mexico. *The Extr. Ind. Soc.* 6 (4),
- López, L., Fontaine, G., 2019. How transparency improves public accountability: The extractive industries transparency initiative in Mexico. *The Extr. Ind. Soc.* 6 (4), 1156–1167.

- kramp. Amsterdam, Netherlands: Boom Besterkunde.
- Tanh, S. D., Hart, N., & Canh, N. P. (2020). Public spending, public governance and economic growth at the Vietnamese provincial level: A disaggregate analysis. *Economic Systems*, 44(4), 100780.
- Van Dijk, M.A., 1999. Corruption, growth, and governance: Private vs. state-owned firms in Vietnam. *Journal of Banking, Finance* 36 (1), 2935–2948.
- Vo, D. H., Nguyen, N. T., & Van L, T. H. (2021). Financial inclusion and stability in the Asian region using bank-level data. *Borsa Istanbul Review*, 21, 36-43.
- Wang, L.; Wang, Y.; Sun, Y.; Han, K.; Chen, Y. Financial inclusion and green economic efficiency: Evidence from China. *J. Environ. Plan. Manag.* 2022, 65, 240–271.
- Wang, H., Liu, Y., Xiong, W., Song, J., 2019. The moderating role of governance environment on the relationship between risk allocation and private investment in PPP markets: Evidence from developing countries. *International Journal of Project Management* 37 (1), 117–130.
- Whitsel, C.M., 2011. Counting the costs. *Problems of Post-Communism* 58 (3), 28–38.
- Wilson, R., 2016. Does governance cause growth? Evidence from China. *World Development* 79, 138–151.
- Zins, Alexandra, and Laurent Weill. 2016. The determinants of financial inclusion in Africa. *Review of Development Finance* 6: 46–57.
- sacrifice ratio. *The B.E. Journal of Macroeconomics*, 12(1). 1-26.
- Rajkumar, A.S., Swaroop, V., 2008. Public spending and outcomes: Does governance matter? *Journal of Development Economics* 86 (1), 96–111.
- Romero-Avila, D., Strauch, R., 2008. Public finances and long-term growth in Europe: Evidence from a panel data analysis. *European Journal of Political Economy* 24 (1), 172–191.
- Su Dinh Thanh and Neil Hart and Nguyen Phuc Canh (2020). Public spending, public governance and economic growth at the Vietnamese provincial level: A disaggregate analysis, *Economic Systems*, Volume 44, Issue 4, December 2020, 100780.
- Schumpeter, Joseph A. 1911. *The Theory of Economic Development: An Inquiry into Profits, Capital, Credit, Interest and the Business Cycle*. Cambridge: Harvard University Press.
- Sethi, Dinabandhu, and Debashis Acharya. 2018. financial inclusion and economic growth linkage: Some cross country evidence. *Journal of financial Economic Policy* 10: 369–85.
- Samudram, M., Nair, M., Vaithilingam, S., 2009. Keynes and Wagner on government expenditures and economic development: The case of a developing economy. *Empirical Economics* 36 (3), 697–712.
- Son, J., Cho, Y.K., 2019. Fiscal decentralization and government corruption: Evidence from U.S. states. *Public Integrity* 22 (2), 1–18.
- Tommel, W. A. (2018). *Veerkrachtig bestuur: voorbij neoliberale drift en populistische*

Threshold Effects of Good Governance in Relation to Public Spending, Financial Inclusion and Economic Growth in Selected MENA Countries

*Niloufar Khatami*¹

Hossein Sharifi Renani^{*2}

*Bahar Hafezi*³

Abstract

Many developing countries, due to the lack of good governance, government ownership of a large part of the financial system, inefficient banking services, lack of resources, the existence of a dual structure of the financial sector (formal and informal) and the dominance of the informal sector, financial institutions and institutions from They do not have optimal performance. Accordingly, the purpose of this article is to investigate the role of good governance in relation to public spending, financial inclusion and economic growth. For this purpose, the panel threshold approach (PSTR) was used based on the annual data of selected countries of the MENA region during the period of 2000-2021. The results of estimating the linear part of the model (first regime) show that financial inclusion has had positive effects on economic growth in the studied countries. It can also be seen that the increase in public spending can lead to an improvement in the level of economic growth in the studied countries. The estimation results of the nonlinear part of the model (second regime) show that the positive effect of financial inclusion variables and public expenditures on economic growth will occur in the presence of a good governance system. By comparing the coefficients of the model in two different regimes, it can be seen that when the level of good governance passes the threshold (1.03) (transition from the linear to the non-linear part), the reaction of the economic growth index to the changes of this variable will increase sharply.

Keywords: *Financial Inclusion, Economic Growth, Good Governance, Threshold Effects, MENA Countries.*

¹ *Department of Economics, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. niloufarkhatami@yahoo.com*

² *Associate Professor of Economics, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran (corresponding author). h.sharifi@khuisf.ac.ir*

³ *Assistant Professor of Economics, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. b.hafezi@khuisf.ac.ir*